

واکاوی رضامندی زنان روستایی شهرستان هرسین از کیفیت زندگی خود

شهر گرآوندی^{۱*}، عبدالحمید پاپ زن^۲

چکیده

زنان روستایی، عامل بسیار مهمی در تحقق توسعه پایدار می‌باشند. این نیمه‌ی فراموش شده، علی‌رغم سعی و تلاش‌های فراوانی که متحمل می‌شوند، از رفاه و کیفیت زندگی مناسبی برخوردار نیستند و در اکثر برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار نمی‌گیرند. از این رو، در این پژوهش توصیفی-همبستگی سعی شده است که به بررسی میزان رضامندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود پرداخته شود. این مطالعه بر روی ۳۶۷ نفر از زنان روستایی شهرستان هرسین انجام گرفته است. برای انتخاب افراد، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه ۴ قسمتی بهره گرفته شد. ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده، نمایانگر پایایی مناسب مقیاس‌های طراحی شده است (بخش دوم ۰/۸۶، بخش سوم ۰/۸۴ و بخش چهارم ۰/۹۱). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نشان داد که میزان رضامندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود متوسط رو به پایین می‌باشد. همچنین براساس یافته‌ها، زنان روستایی به ترتیب از نظر؛ تامین نیازهای فرصت و فراغت، بهزیستی و نیازهای اولیه احساس نارضایتی می‌کنند و همین مسئله، کیفیت زندگی آنها را تحت تاثیر خود قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: رضامندی، کیفیت زندگی، نیاز، زنان روستایی، شهرستان هرسین.

^۱ - دانشجوی دکتری توسعه‌ی کشاورزی دانشکده پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی

^۲ - دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی

*- نویسنده مسئول مقاله: sh_geravandi@yahoo.com

پیشگفتار

از دیر باز تاکنون، زنان روستایی همواره نقش مهمی در فعالیتهای کشاورزی و اقتصادی روستا ایفا نموده‌اند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد، با وجود تلاش‌های فراوانی که آنها متحمل می‌شوند، این تلاش‌ها هیچ‌گونه بازتابی در کیفیت زندگی و وضعیت اجتماعی آنها نداشته است (Akpınar, & et al., 2004). علاوه بر این، وجود عواملی از قبیل؛ عدم دسترسی به منابع، کمبود مهارت‌ها و دانش کافی، محدودیت‌های فرهنگی در بعضی از خانواده‌ها و ارزش‌های سنتی حاکم بر مناطق روستایی سبب شده است که عرصه بر آنها تنگ‌تر شده و آنها قادر نباشند به جایگاه اجتماعی و اقتصادی واقعی خود دست پیدا کنند (Allahdadi, 2011). این در حالی است که، زنان روستایی، دارای نقش اساسی و بنیادی در تحقق توسعه‌ی پایدار (Azkia & Emani, 2008)، و بهبود کیفیت زندگی در مناطق روستایی (Sanyang & Huang, 2008)، می‌باشند و عدم توجه به نیازها و کیفیت زندگی آنها می‌تواند روند توسعه‌ی کشور را با مشکل روبرو نماید. از این رو در این پژوهش سعی شده که به بررسی رضامندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود پرداخته شود.

مبانی نظری

کیفیت زندگی، به شیوه‌های گوناگونی مفهوم سازی شده است. برخی از اندیشمندان معتقدند که، کیفیت زندگی مجموعه‌ای است که نیازهای جسمی، عاطفی، اجتماعی و امکانات زندگی را تشکیل می‌دهد. برخی دیگر نیز بر این باورند که: کیفیت زندگی به معنای احساسی است که فرد نسبت به رفاه اجتماعی، عاطفی و جسمانی خود دارد. این احساس متأثر از این است که یک فرد در شرایط گوناگون زندگی تا چه اندازه به خشنودی شخصی نایل شده است (Javaheri, & et al., 2010). اغلب صاحب نظران توافق دارند که مفهوم کیفیت زندگی همواره چهار بعد زیر را در بر می‌گیرد: بعد فیزیکی^۱؛ مفاهیمی مانند قدرت، انرژی، توانایی انجام فعالیت‌های روزمره و مراقبت از خود را در بر می‌گیرد. بعد روانی^۲؛ شامل اضطراب، افسردگی و ترس می‌باشد و بعد اجتماعی^۳، در مورد رابطه فرد با خانواده، دوستان و همکاران و در نهایت جامعه است. بعد روحی^۴؛ درک فرد از زندگی و هدف و معنای زندگی را در بر می‌گیرد. ثابت شده است که بعد روحی، زیر مجموعه‌ی بعد روانی نبوده و یک دامنه مهم و مستقل بشمار می‌رود (Nejat, 2008). بر اساس مطالعات صورت گرفته، هرچه نیازهای زنان کمتر باشد، کیفیت زندگی و به تبع میزان رضامندی آنها بیش‌تر خواهد شد. به‌گونه کلی، زنان دارای دو نوع نیاز می‌باشند؛ نیازهای عملی و نیازهای جنسیتی استراتژیک.

^۱- Physical

^۲- Psychological

^۳- Social

^۴- Spiritual

نیازهای عملی، به شرایط زندگی زنان در جامعه بستگی دارد. این شرایط شامل؛ واقعیت‌های عینی، وضع مادی و... می‌شود و هم‌چنین اموری چون سلامت، تغذیه، آموزش، مسکن، حمل و نقل و خدمات اساسی دیگر را در بردارد. نیازهای جنسیتی استراتژیک، از موقعیت زنان در جامعه برمی‌خیزد. این موقعیت، متضمن پایگاه اجتماعی و اقتصادی ایشان است که با پایگاه اجتماعی و اقتصادی مردان درخور مقایسه است. این دسته از نیازها می‌توانند کیفیت زندگی زنان و میزان رضامندی آنها را تحت تاثیر قرار دهند (Azkia & Emani, 2008). مرور ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش نشان داد؛ سن، درآمد (Shams alizadeh, & et al., 2010; Casa, & et al., 2007 و Mc Nerney & Gillmor, Light, & et al., 1985)، میزان تحصیلات (Alipoor, & et al., 2008; Soeda, 2008; 2005 و Casa, & et al., 2007) وضعیت تاهل، وضعیت شغلی (Lee, 1998 و Casa, & et al., 2007)، عدم دسترسی به آب مناسب و کافی (Kehler, 2000) و... از عوامل تاثیرگذار بر کیفیت زندگی زنان روستایی می‌باشند.

علاوه بر این، نتایج پژوهش جان و تاباسوم (Jan & Tabassum, 2008)، نیز نشان داد که بین بعد خانوار و میزان کیفیت زندگی، ارتباط معناداری وجود دارد. به عنوان مثال، هر چه بعد خانوار بیش‌تر باشد میزان پول هزینه شده برای مواد غذایی افزایش می‌یابد و این مسئله می‌تواند بر روی کیفیت زندگی افراد خانواده و میزان رضامندی آنها تاثیر بگذارد.

یافته‌های پژوهش جرجی و همکاران (Grgi, & et al., 2010)، نیز گویای این واقعیت است که پایین بودن شاخص‌های کیفیت زندگی مانند؛ عدم وجود خدمات بهداشتی و اجتماعی، پایین بودن سطح درآمد و... می‌تواند منجر به شکل‌گیری نیت مهاجرت در افراد روستایی شود. هایرمت و بالاساب رامانیا (Hiremath & Balasubramanya, 2009)، در پژوهش خود به بررسی نقش برنامه‌های تلویزیونی در توانمندسازی زنان روستایی پرداختند. نتایج نمایانگر آن بود که برنامه‌های تلویزیونی، منجر به توانمندسازی زنان روستایی و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی آنها شده است. لایزو و همکاران (Laizu, & et al., 2010)، نیز در پژوهش خود، به بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در افزایش کیفیت زندگی زنان روستایی بنگلادش پرداختند. بر اساس یافته‌های آنان، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند از راه تبادل، استفاده و تولید اطلاعات و ایجاد فرصت‌های شغلی، منجر به افزایش کیفیت زندگی زنان روستایی شود.

با توجه به مطالب ذکر شده، در این پژوهش با استفاده از سنجش نیازهای زنان روستایی سعی شده به بررسی میزان رضامندی آنها از کیفیت زندگی پرداخته شود. بنابراین، هدف کلی این پژوهش، بررسی میزان رضامندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود می‌باشد. به منظور دستیابی و تبیین بیش‌تر این بخش، از اهداف اختصاصی زیر بهره گرفته شد؛

- بررسی ویژگی فردی و حرفه‌ای زنان روستایی مورد مطالعه؛
- اولویت‌بندی میزان رضایت‌مندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود بر اساس؛ تامین نیازهای اولیه‌ی، بهزیستی و فرصت و فراغت؛
- مقایسه‌ی سطح رضامندی زنان روستایی نسبت به کیفیت زندگی خود بر اساس گروه‌های سنی، سطوح تحصیلات و وضعیت تاهل؛

روش پژوهش

در این پژوهش توصیفی-همبستگی، کاربردی سعی شده است که به واکاوی میزان رضامندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود پرداخته شود. جامعه آماری، زنان روستایی شهرستان هرسین می‌باشند (N=۸۲۷۱). حجم نمونه، به وسیله جدول بارتلت و همکاران (Bartlett, & et al., 2001)، ۳۶۷ نفر برآورد شد. در این پژوهش، برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. پرسشنامه این پژوهش شامل چهار قسمت بود؛ قسمت اول شامل ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای زنان روستایی و در برگیرنده‌ی ۹ پرسش بود. قسمت دوم شامل گویه‌های مربوط به تامین نیازهای اولیه (۱۲ گویه)، قسمت دوم شامل گویه‌های مربوط به تامین نیازهای بهزیستی (۱۲ گویه) و قسمت آخر به سنجش نیازهای فرصت و فراغت (۱۳ گویه) زنان روستایی اختصاص داده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱، ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد مورد مطالعه

| گویه | واحد بخش | درصد | میانگین | انحراف معیار |
|--------------------|----------|------|---------|--------------|
| سن | سال | | ۳۹/۵ | |
| وضعیت تاهل | | | | |
| مجرد | | ۲۲/۲ | | |
| متاهل | | ۷۷/۸ | | |
| بعد خانوار | نفر | --- | ۵ | ۰/۸۵ |
| سطح تحصیلات | | | | |
| بی سواد | | ۲۴/۴ | | |
| خواندن و نوشتن | | ۵۱/۱ | | |
| دیپلم | | ۱۶/۷ | | |
| فوق دیپلم | | ۷/۸ | | |
| لیسانس و بالاتر | | ۰/۰ | | |
| درآمد خانوار | ریال | | ۴۱۳۵۹۰۰ | ۲۷۲۲۸۵۰ |
| وضعیت مالکیت(خانه) | | | | |
| بلی | | ۰/۳ | | |
| خیر | | ۹۹/۷ | | |

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌کنید، میانگین سنی پاسخگویان به‌گونه متوسط ۳۹ سال می‌باشد. بر اساس جدول، ۷۷/۸ درصد از پاسخگویان متأهل و بعد خانوار آنها برابر با ۵ نفر می‌باشد. از نظر سطح تحصیلات نیز، اکثر زنان روستایی مورد مطالعه، بی‌سواد و کم‌سواد هستند و نزدیک به ۹۹/۷ درصد از آنها صاحب هیچ‌گونه ملک و دارایی نبودند. به‌گونه متوسط درآمد خانوار این افراد در یک سال برابر با ۴۱۳۵۹۰۰ ریال می‌باشد.

جدول شماره ۲، رتبه بندی سطح رضایت زنان از تامین نیازهای اولیه

| نیازهای اولیه | میانگین از ۵ | انحراف معیار |
|---|--------------|--------------|
| امکانات جمع آوری دفع زباله | ۱/۳۶ | ۰/۶۴ |
| امکانات جمع آوری فاضلاب | ۱/۹۰ | ۱/۱۰ |
| دسترسی به جایگاه عرضه مواد سوختی | ۲/۰۰ | ۱/۰۶ |
| دسترسی به سوخت برای پخت و پز و گرما | ۲/۹۳ | ۱/۴۲ |
| تعداد اتاق‌ها نسبت به تعداد خانوار | ۲/۹۲ | ۱/۲۵ |
| کیفیت خانه (مسکن) | ۲/۹۹ | ۱/۱۷ |
| تجهیزات و امکانات خانه | ۳/۱۶ | ۰/۹۸ |
| کمیت آب آشامیدنی | ۳/۱۸ | ۱/۲۹ |
| کیفیت آب آشامیدنی | ۳/۳۲ | ۱/۲۳ |
| وضعیت تغذیه (مصرف گوشت، میوه و سبزی و...) | ۳/۴۱ | ۰/۹۸ |
| وضعیت روشنایی (برق، گاز و...) | ۳/۴۹ | ۱/۱۲ |
| دسترسی به لباس‌های متناسب با فصول | ۳/۶۲ | ۰/۹۷ |

مقیاس: ۱؛ کاملاً ناراضی تا ۵ کاملاً راضی

در جدول شماره ۲، سطح رضامندی زنان روستایی از تامین نیازهای اولیه نمایش داده شده است. بر اساس رتبه‌بندی صورت گرفته، زنان از لحاظ تامین نیازهایی از قبیل: امکانات جمع آوری دفع زباله و فاضلاب، دسترسی به جایگاه عرضه مواد سوختی، دسترسی به سوخت برای پخت و پز و گرما کاملاً ناراضی و ناراضی می‌باشند. در حالی که آنها در زمینه تامین نیازهای؛ وضعیت تغذیه (مصرف گوشت، میوه و سبزی و...)، وضعیت روشنایی (برق، گاز و...) و دسترسی به لباس‌های متناسب با فصول تا حدودی راضی هستند.

جدول شماره ۳، رتبه بندی سطح رضایت زنان از تامین نیازهای بهزیستی

| نیازهای بهزیستی | میانگین از ۵ | انحراف معیار |
|-------------------------|--------------|--------------|
| دسترسی به پاسگاه پلیس | ۱/۸۱ | ۰/۸۴ |
| وضعیت وقوع جرم در روستا | ۱/۹۴ | ۱/۰۴ |
| وضعیت مالکیت زمین | ۱/۹۷ | ۱/۲۰ |
| وضعیت شغلی | ۲/۰۱ | ۱/۰۴ |

| | | |
|------|------|---------------------------|
| ۱/۰۵ | ۲/۰۲ | پایداری شغلی |
| ۱/۰۹ | ۲/۱۰ | امنیت شغلی |
| ۱/۲۲ | ۲/۲۴ | وضعیت مالکیت دام |
| ۱/۰۹ | ۲/۳۱ | وضعیت پس انداز |
| ۱/۵۳ | ۲/۶۴ | دسترسی به مرکز پزشکی |
| ۱/۴۷ | ۲/۸۴ | دسترسی به امکانات بهداشتی |
| ۱/۰۳ | ۳/۴۸ | سلامت جسمی خانواده |
| ۱/۰۳ | ۳/۴۹ | سلامت جسمی خود |

مقیاس: ۱؛ کاملاً ناراضی تا ۵ کاملاً راضی

جدول شماره ۳، بیانگر سطح رضایت پاسخگویان از تامین نیازهای بهزیستی می‌باشد. بر اساس جدول، پاسخگویان از لحاظ تامین نیازهایی از قبیل؛ دسترسی به پاسگاه پلیس، وضعیت وقوع جرم در روستا، وضعیت مالکیت زمین، وضعیت شغلی کاملاً ناراضی و ناراضی هستند. این افراد، نسبت به تامین نیازهای دسترسی به امکانات بهداشتی، سلامت جسمی خانواده و سلامت جسمی خود به-گونه متوسط احساس رضایت می‌کنند.

جدول شماره ۴، رتبه بندی سطح رضایت زنان از تامین نیازهای فرصت و فراغت

| انحراف معیار | میانگین از ۵ | نیازهای فرصت و فراغت |
|--------------|--------------|---|
| ۰/۷۳ | ۱/۳۳ | دسترسی به کتابخانه |
| ۰/۶۱ | ۱/۳۷ | دسترسی به امکانات ورزشی |
| ۰/۶۷ | ۱/۵۲ | دسترسی به امکانات تفریحی و فرهنگی |
| ۱/۰۷ | ۲/۰۰ | توانایی مالی برای رفتن به مسافرت |
| ۱/۲۸ | ۲/۰۲ | وضعیت تحصیلات |
| ۱/۱۰ | ۲/۱۹ | امکانات اینترنت |
| ۱/۴۴ | ۲/۲۲ | امکانات پستی و مخابراتی |
| ۱/۵۲ | ۲/۲۹ | وضعیت امکانات آموزشی در روستا |
| ۱/۴۷ | ۲/۴۶ | وضعیت راه‌های روستا |
| ۱/۴۸ | ۲/۴۶ | امکانات حمل و نقل در روستا |
| ۱/۰۰ | ۲/۹۳ | وضعیت تحصیلات افراد در خانواده |
| ۱/۲۱ | ۳/۱۴ | توانایی انتخاب در برخی از موارد مهم زندگی (ازدواج و...) |
| ۱/۳۵ | ۳/۳۳ | مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده |

مقیاس: ۱؛ کاملاً ناراضی تا ۵ کاملاً راضی

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ ملاحظه می‌شود، دسترسی به کتابخانه، امکانات ورزشی، تفریحی و فرهنگی و توانایی مالی برای رفتن به مسافرت جزو آن دسته از نیازهایی بوده که زنان نسبت به

تامین آنها احساس نارضایتی نموده‌اند. در حالی که آنها از تامین نیازهای وضعیت تحصیلات افراد در خانواده، توانایی انتخاب در برخی از موارد مهم زندگی (ازدواج و...) و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده تا حدودی راضی می‌باشند.

جدول شماره ۵، رتبه بندی احساس رضایت زنان از تامین نیازها

| نیازها | میانگین از ۵ | انحراف معیار |
|---|--------------|--------------|
| احساس رضایت از تامین نیازهای فرصت و فراغت | ۲/۲۵ | ۰/۸۵ |
| احساس رضایت از تامین نیازهای بهزیستی | ۲/۴۰ | ۰/۷۲ |
| احساس رضایت از تامین نیازهای اولیه | ۲/۸۶ | ۰/۸۶ |

مقیاس: ۱؛ کاملاً ناراضی تا ۵ کاملاً راضی

جدول شماره ۵، اولویت‌بندی رضامندی زنان روستایی از تامین نیازها را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌ها، زنان به ترتیب از تامین نیازهای فرصت و فراغت و بهزیستی ناراضی و نسبت به تامین نیازهای اولیه تا حدودی راضی می‌باشند.

جدول شماره ۶، بررسی رضایت مندی و ارزیابی زنان از وضعیت خود

| گویه‌ها | میانگین | انحراف معیار |
|--|---------|--------------|
| میزان رضایت مندی زنان روستایی از کیفیت زندگی | ۲/۵۰ | ۰/۷۵ |
| میزان ارزیابی زنان از کیفیت زندگی خود | ۱/۹۱ | ۰/۴۷ |
| میزان ارزیابی زنان از طبقه اجتماعی خود | ۱/۸۷ | ۰/۴۱ |

به‌گونه کلی نتایج نشان داد که در مجموع، میزان رضامندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود در حد متوسط رو به پایین می‌باشد (میانگین = ۲/۵۰ و انحراف معیار ۰/۷۵) این نتیجه توسط گویه‌های دیگر، تحت عنوان میزان ارزیابی زنان از کیفیت زندگی (میانگین = ۱/۹۱ و انحراف معیار = ۰/۴۷) و طبقه اجتماعی خود (میانگین = ۱/۸۷ و انحراف معیار = ۰/۴۱) مورد تایید قرار گرفت (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۷، بررسی ارتباط بین کیفیت زندگی زنان و ارزیابی آنها

| میزان رضایت مندی از کیفیت زندگی | میزان ارزیابی از کیفیت زندگی | میزان ارزیابی از طبقه اجتماعی |
|---------------------------------|------------------------------|-------------------------------|
| ۱ | ۱ | ۱ |
| ۰/۱۳* | ۱ | ۱ |
| ۰/۴۲* | ۰/۴۳** | ۱ |

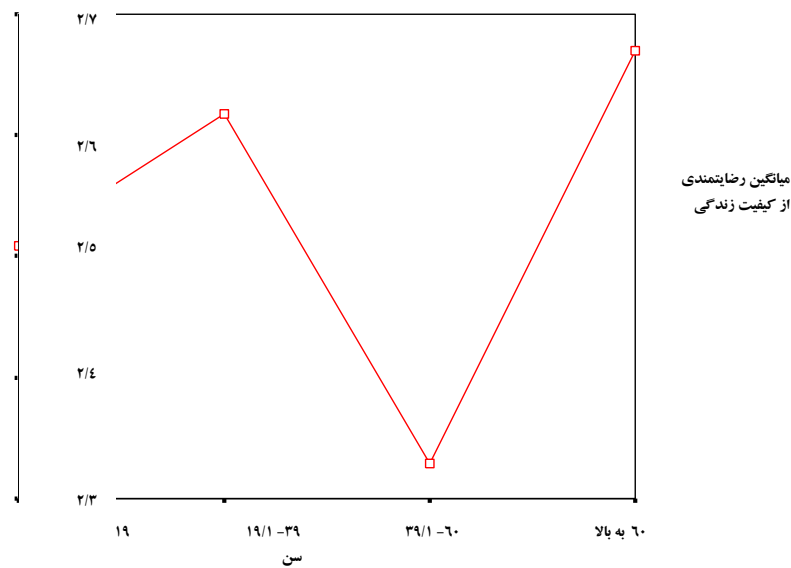
* معناداری در سطح ۰/۰۵، ** معناداری در سطح ۰/۰۱

به منظور تایید نهایی این ارتباط، از هم بستگی استفاده شد (جدول شماره ۷). بررسی همبستگی‌ها نشان داد که بین کیفیت زندگی زنان و میزان ارزیابی آنها از کیفیت زندگی و طبقه اجتماعی خود ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۸. آزمون میزان رضایت مندی از کیفیت زندگی در گروه‌های سنی متفاوت

| Sig | F | میانگین مربعات | درجه آزادی | مجموع مربعات | |
|------|------|----------------|------------|--------------|----------------------|
| ۰/۲۹ | ۱/۲۸ | ۰/۷۲۲ | ۳ | ۲/۱۶۵ | واریانس بین گروه‌ها |
| | | ۰/۵۶۴ | ۸۶ | ۴۸/۴۹ | واریانس درون گروه‌ها |
| | | | ۸۹ | ۵۰/۶۵ | مجموع |

به منظور بررسی تفاوت میزان رضامندی زنان از کیفیت زندگی خود در گروه‌های سنی گوناگون از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. در ابتدا به بررسی آزمون لون پرداخته شد. عدم معناداری آزمون لون نشان داد که داده‌ها شرط لازم برای ورود به آزمون F را دارند. بر طبق جدول شماره ۸، بین گروه‌های سنی متفاوت از لحاظ میزان رضامندی نسبت به کیفیت زندگی، اختلاف معناداری وجود ندارد.



نمودار شماره ۱، تفاوت‌های توصیفی بین گروه‌های سنی متفاوت از لحاظ رضایت مندی نسبت به کیفیت زندگی

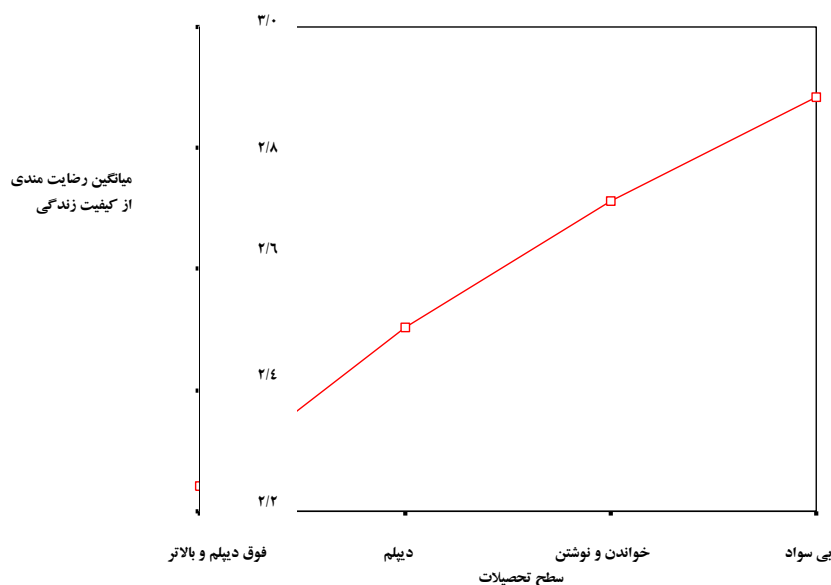
در مرحله‌ی بعد، برای دستیابی به تفاوت‌های توصیفی بین گروه‌های سنی متفاوت از Mean Plot استفاده شد (نمودار شماره ۱). همان‌گونه که در نمودار ملاحظه می‌شود، گروه سنی ۳۹/۱-۶۰

دارای پایین‌ترین سطح و گروه سنی ۶۰ به بالا دارای بالاترین سطح رضامندی از کیفیت زندگی خود هستند. اما به‌گونه کلی باید توجه داشت که در تمام گروه‌های سنی، میانگین رضایت در حد کم و متوسط می‌باشد و همین امر موجب شده که در گروه‌های سنی متفاوت از لحاظ رضامندی نسبت به کیفیت زندگی تفاوت معناداری دیده نشود.

جدول شماره ۹، آزمون میزان رضایت مندی از کیفیت زندگی در سطوح تحصیلی متفاوت

| Sig | F | میانگین مربعات | درجه آزادی | مجموع مربعات | |
|------|------|----------------|------------|--------------|----------------------|
| ۰/۱۳ | ۱/۹۲ | ۱/۰۶ | ۳ | ۳/۱۸۶ | واریانس بین گروه‌ها |
| | | ۰/۵۵ | ۸۶ | ۴۷/۴۶ | واریانس درون گروه‌ها |
| | | | ۸۹ | ۵۰/۶۵ | مجموع |

آزمون میزان رضامندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود در سطوح تحصیلی متفاوت نشان داد که بین سطوح تحصیلی متفاوت از لحاظ متغیر وابسته اختلاف معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۹).



نمودار شماره ۲، تفاوت‌های توصیفی بین سطوح تحصیلی متفاوت از لحاظ رضایت مندی نسبت به کیفیت زندگی

همانند مرحله قبلی، به منظور مشخص نمودن تفاوت‌های توصیفی بین سطح تحصیلی متفاوت از Mean Plot استفاده شد. بر اساس نمودار شماره ۲، افراد بی‌سواد، دارای بالاترین و افراد فوق دیپلم و بالاتر دارای پایین‌ترین سطح رضامندی از کیفیت زندگی بوده‌اند. در این مورد نیز باید توجه داشت که در تمام سطوح تحصیلی، میانگین رضایت در حد متوسط رو به پایین می‌باشد و همین امر موجب شده که در گروه‌های تحصیلی متفاوت از لحاظ رضامندی نسبت به کیفیت زندگی تفاوت معناداری دیده نشود.

جدول شماره ۱۰، بررسی میزان رضایت مندی از کیفیت زندگی با وضعیت تاهل

| Sig. (2-tailed) | df | t | Sig. | F | |
|-----------------|-------|------|------|------|---------------------------|
| ۰/۰۳ | ۸۸ | ۲/۱۷ | ۰/۱۴ | ۲/۲۶ | فرض برابری واریانس‌ها |
| ۰/۰۲ | ۳۷/۴۴ | ۲/۴۵ | | | فرض عدم برابری واریانس‌ها |

بررسی میزان رضامندی زنان نسبت به کیفیت زندگی بر اساس وضعیت تاهل نشان داد که افراد مجرد احساس رضایت بیش‌تری نسبت به زنان متأهل دارند و همین امر باعث معناداری آزمون t شده است (جدول شماره ۱۰).

بحث و نتیجه‌گیری

- براساس یافته‌ها، ۷۵/۵ درصد از زنان روستایی مورد مطالعه بی‌سواد و کم‌سواد هستند. این مسئله می‌تواند مانع بسیار مهمی را در بهبود کیفیت زندگی زنان روستایی ایجاد کند و آنها را از مزایای اجتماعی و اقتصادی محروم سازد. در این رابطه می‌توان تحلیل زیر را ارائه نمود: اولاً، بسیاری از خانواده‌های روستایی ادامه تحصیل را برای زنان ضروری نمی‌دانند و معتقدند که زنان باید به اموری از قبیل؛ آشپزی، نگه داری بچه‌ها و نظافت منزل، خدمتگزاری به شوهر، فرزند و یا جمع خانواده بپردازند (Khalili, 2007). بنابراین، اگر زنان بخواهند برای ادامه تحصیل به مرکز دهستان یا شهر بروند، معمولاً پدران و برادران با رفتن آنها مخالفت می‌کنند. بنابراین در چنین شرایطی، دختران خانواده از ادامه تحصیل بازمانده و محکوم به بی‌سوادی و کم‌سوادی می‌شوند. این در حالی است که آموزش و تحصیلات زنان، نه تنها باعث ارتقاء کیفیت زندگی در زنان روستایی می‌شود. بلکه سبب ایجاد عزت نفس، فرصت‌های استخدام و درآمدهای بالاتر در آنها نیز خواهد شد (Mc Nerney & Gillmor, 2005). بر اساس یافته‌ها، بین سطح تحصیلات و میزان رضامندی از کیفیت زندگی رابطه‌ی مثبتی وجود دارد. این نتیجه، موافق یافته‌های شمس علی زاده و همکاران (Shams alizadeh, & et al., 2010)، علی پور و همکاران (Alipoor, & et al., 2008) و کاسا و همکاران (Casa, & et al., 2007) می‌باشد.

- نتایج نشان می‌دهد که نزدیک به ۹۹/۷ درصد از زنان روستایی صاحب هیچ‌گونه ملک و دارایی نمی‌باشند. این موضوع می‌تواند منجر به تضعیف پایگاه اجتماعی، فقدان استقلال مالی و حذف آنها از تصمیم‌گیری‌های مهم شود. نتایج پژوهش روستا و همکاران (Rosta, & et al., 2010)، فرناندز (Fernandez, 2009) و زاهدی (Zahedi, 2009)، نیز نشان می‌دهد که عدم دسترسی زنان به منابع مولدی هم چون زمین، سرمایه و ملک موجب می‌شود که آنها در بسیاری از تصمیمات اقتصادی (مانند اخذ وام و معاملات) و برنامه‌های توسعه روستایی، کمتر مورد توجه قرار گیرند و به حاشیه کشیده شوند.

- بررسی سطح رضامندی زنان روستایی از تامین نیرهای اولیه نشان داد که آنها با مشکلاتی از قبیل؛ فقدان امکانات جمع آوری دفع زباله، فاضلاب و عدم دسترسی به جایگاه عرضه مواد سوختی مواجه می‌باشند. تجربیات نشان می‌دهد که عدم تامین این دسته از نیازها، نه تنها کیفیت زندگی زنان، بلکه کیفیت زندگی کل مردم روستا را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. به عنوان مثال، فقدان امکاناتی همچون دفع زباله و فاضلاب می‌تواند سبب بروز شیوع بیماری‌هایی در مردم روستا، بویژه کودکان شود. بروز این مشکلات، در مناطق روستایی سبب خواهد شد که زحمت زنان روستایی به دلیل پاکیزگی کوچه‌ها و مراقبت از اعضای خانواده‌های که بیمار شده‌اند، مضاعف شوند. همین مسئله می‌تواند میزان رضامندی زنان از کیفیت زندگی خود را تحت تاثیر قرار دهد.

- یافته‌ها حاکی از این واقعیت است که پاسخگویان از لحاظ تامین نیازهای بهزیستی مانند: دسترسی به پاسگاه پلیس، وضعیت وقوع جرم در روستا و وضعیت مالکیت زمین کاملاً ناراضی و ناراضی هستند. به نظر می‌رسد که عدم وجود امنیت در مناطق روستایی سبب شده که آنها احساس بی‌امنی، اضطراب و نگرانی داشته باشند و از نظر تامین این دسته نیازها ناراضی باشند.

- نتایج نشان می‌دهد که زنان مورد مطالعه، از لحاظ دسترسی به کتابخانه، امکانات ورزشی، تفریحی و فرهنگی احساس ناراضی می‌کنند. کاملاً بدیهی است که در مناطق روستایی کشور، امکانات تفریحی، فرهنگی بسیار اندکی وجود دارد و زنان این نیاز را کاملاً احساس کرده و خواهان تامین آن می‌باشند. در این راستا، بسیاری از مسئولین بر این باورند که در مناطق روستایی با وجود طبیعت زیبا، نیازی به ایجاد امکانات تفریحی و ورزشی نمی‌باشد. در حالی که همین امکانات نیز نیاز به مدیریت و سازماندهی دارند تا قابلیت استفاده پیدا کنند.

- علاوه بر این، یافته‌ها نشان داد که بین سطوح تحصیلی و سنی متفاوت از لحاظ میزان رضامندی نسبت به کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود ندارد. در این رابطه می‌توان استدلال زیر ارائه نمود: اول این‌که، نزدیک به ۷۵ درصد از افراد مورد مطالعه بی‌سواد و کم‌سواد و بقیه نیز دارای سطح تحصیلات پایین می‌باشند. بدیهی است که بین نظرات آنها و میزان رضایت‌مندی آنها اختلاف

معناداری دیده نشود. دیگر این که، افراد مورد مطالعه یا گروه‌های سنی متفاوت هر کدام نیازهایی را داشتند که تامین نشده بود. همین امر سبب شده که به‌گونه کلی تفاوت معناداری بین گروه‌های سنی متفاوت از لحاظ رضامندی از کیفیت زندگی دیده نشود. اما بررسی تفاوت‌های توصیفی بین گروه‌ها نشان داد که گروه سنی ۶۰-۳۹/۱ دارای پایین‌ترین سطح و گروه سنی ۶۰ سال به بالا دارای سطح رضایت بهتری نسبت به سایر گروه‌های سنی می‌باشند. در این راستا نتایج کیتامورا و همکاران (Kitamura, & et al., 2002)، نشان داد افرادی که بالاتر از ۵۵ سال سن دارند نسبت به سایرین سطح رضایت‌مندی بیش‌تری نسبت کیفیت زندگی خود دارند.

- نتایج آزمون t نشان داد که بین زنان مجرد و متاهل روستایی از لحاظ رضامندی نسبت به کیفیت زندگی اختلاف معناداری وجود دارد. به‌گونه‌ی که، افراد مجرد احساس رضایت بیش‌تری دارند. در این رابطه می‌توان این تفسیر را ارائه داد که زنان متاهل روستایی، دارای وظایفی و مسئولیت‌های بیش‌تری نسبت به دختران جوان هستند. لذا این مسئله موجب شده که میزان رضامندی آنها کمتر از زنان مجرد باشد. این یافته مخالف نتایج لی (Lee, 1998) می‌باشد.

- به‌گونه کلی یافته‌ها نشان داد که میزان رضایت‌مندی زنان روستایی از لحاظ تامین نیازهای اولیه، بهزیستی و فرصت و فراغت در حد کم و متوسط رو پایین می‌باشد.

پیشنهادها

به‌منظور ارتقای سطح رضایت‌مندی زنان روستایی از کیفیت زندگی خود می‌توان توصیه‌های زیر را عنوان نمود؛

- بسترسازی از راه رسانه‌های جمعی برای تغییر نگرش مردم محلی نسبت به ادامه تحصیل زنان؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه‌ی آگاه کردن زنان نسبت به حق و حقوق و وظایف خود (تملک ملک و دارایی و...) و ایجاد انجمن‌ها زنان روستایی به منظور بالابردن قدرت تصمیم‌گیری و جایگاه اجتماعی زنان؛
- بهسازی مشارکتی مناطق روستایی مورد مطالعه، بویژه در تامین نیازهای اولیه، مانند: امکانات جمع آوری دفع زباله و فاضلاب و...؛
- برگزاری کلاس‌های تفریحی و فرهنگی و گسترش کتابخانه‌ها در مساجد روستا به منظور تامین نیازهای فرصت و فراغت زنان مورد مطالعه؛
- تشویق دانش آموزان و دانشجویان برای اهداء کتاب‌های خواننده شده‌ی خود به کتابخانه‌های روستایی؛

- تقویت پایگاه‌های بسیج محلی و ایجاد گشت‌های ویژه به منظور حفاظت از امنیت روستا و جلوگیری از وقوع جرم در مناطق روستایی که به پاسگاه دسترسی ندارند.

References

1. Akpinar, N., Talay, İ., Ceylan, C. & Gündüz, S. (2004). Rural women and Agrotourism in the context of sustainable rural development: a case study from Turkey. *Kluwer Journal*, 6: 473-486.
2. Allagdadadi, F. (2011). Towards's rural woman 's empowerment and poverty reduction in Iran. *Life Science Journal*. 8(2): 213-216.
3. Alipoor, F., Sajadi, H., Forozan, A., Biglarian, A. & Jalalian, A. (2008). Quality of life elderly in region second in Tehran. *Journal of Iran elderly*. 3 (9 & 10): 75- 83.
4. Azkia, M. & Emani, A. (2008). Rural sustainable development. Tehran, Publication of information. Firth Edition.
5. Bartlett, J. E., Koterlik, J. W and Higgins, Ch. C. (2001). Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research. 43-50
6. Casa, F., Figuer, C., Gonzalez, M & Malo, S. (2007). The values adolescents aspire to, their well-being and the values parents aspire to for their children,. *Social Indicator Rsearch*. 84(3): 271-290.
7. Fernandez, A. P. (2009). Our Gender History and the Steps Forward. Rural management system series. (2):1-25.
8. Grgi, I., Žimbek, T., Tratnik, M., Markovina, J. & Juračak, J. (2010). Quality of life in rural areas of Croatia: to stay or to leave?. *African Journal of Agricultural Research*, 5(8): 653-660.
9. Hiremath, U. S., & Balasubramanya, A. S. (2009). Effects of television programmes in empowering rural woman. *Karnataka J. Agric. Sci*, 22(2): 417-419.
10. Jan, M. & Tabassum, M. (2008). Perception of women towards population education. *Stud Home Comm Sci*, 2(2): 141- 148.
11. Javaheri, F., Seraj, S. & Rahmani, R. (2010). Analysis influencing employee on their quality of life (case study of: woman employee in Jahad). *Woman in development & policy (Journal of research women)*. 8(2): 143- 162.
12. Kehler, J. (2000). A Right or a Privilege? Evaluating accessibility versus affordability as criteria for the delivery of water and

- electricity services in areas of the Western Cape and Eastern Cape. Research Report No 17. Cape Town: Nadel Human Rights Research & Advocacy Project.
13. Khalili, M. (2007) pathology of participation women in contemporary Iran community. *Journal of research women*. 5(2): 165- 186.
 14. Kitamura, T., Kawakami, N., Sakamoto, Sh., Tanigawa, T., Ono, Y. & Fujihara, Sh. (2002). Quality of life and its correlates in a community population in a Japanese rural area. *Psychiatry and Clinical Neurosciences*, 56: 431-441.
 15. Laizu , Z., Armarego, J. & Sudweeks, F. (2010). Proceeding of 13th International Conference on Computer and Information Technology (ICCIT). 23-25 December, Dhaka, Bangladesh.
 16. Lee, S. (1998). Marital status, gender, and subjective quality of life in korea. *Development & Society*, 27 (2): 35- 49.
 17. Light, H., Hertsgaard, D. & Martin, R. E. (1985). Education and income: significant factors in life satisfaction of farm men and women. *Research in Rural Education*, 3(1): 7-12.
 18. Mc Nerney, C. & Gillmor, D. (2005). Experiences and perceptions of rural woman in the republic of Irland: studies in the Broder region. *Irish Geohraphy*. 38 (1): 44- 56.
 19. Nejat, S. (2008). Quality of life and measurement it. *Journal of Iran epidemiology*. 4(2): 62- 57.
 20. Rosta, K., Tajrizi, A. & Zamani poor, A. (2010). Influencing factor on participation rural development in production cooperation. *Quarterly of economic, social and cultural cooperation*. 21(2): 91- 109.
 21. Sanyang, S. E. & Huang, W. Ch. (2008). Green- cooperatives: A strategic approach developing women's entrepreneurship in the Asian and Pacific region. *World Journal of Agricultural Science*, 4(6): 647- 683.
 22. Shams lizadeh, N., Mohsen poor, B., Ghaderi, A., Rezaei. F. & Delavari, A. (2010). Quality of life between 15 until 64 years old population in Kurdistan province. *Journal of principle Psychological Hygiene*. 12 (1): 448- 456.
 23. Soeda, Y. (2008). Education toward improving the quality of life of women: impact of a community- based organization in rural Kenya. A thesis presented to the interdisciplinary studies program:

international studies and the graduate school of the University of Oregon in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts.

24. Zahedi, Sh. (2009). Sustainable development. Tehran, Publication of Samt. Second edition.

